

فرصت دیده شدن

عادل طهماسبی

دبیر زبان انگلیسی، لردگان، استان اصفهان

بگیرد ولی انگیزه‌های برایش موجود نباشد، حتی اگر بهترین امکانات را برایش فراهم کنند، باز هم نمی‌تواند.

من با هر دو گروه این دانش‌آموزان برخورد داشته‌ام و به این نتیجه کلی رسیدم که تا آن‌جا که می‌شود نباید انگیزه دانش‌آموز را با نمره بالا برد. بگذارید این موضوع را باز کنم و بعد با یک مثال از خود که آن را روی کلاس‌ها اجرا می‌کنم آن را به پایان ببرم.

یکی از وظایف یا بهتر بگویم هنرهای معلمی ما آن است که در دادن انگیزه مناسب به دانش‌آموزان توانا باشیم. من یکی از این هنرها را به شما می‌گویم و آن «فرصت دیده شدن» است. اگر می‌خواهید با آن آشنا شوید، به ادامه مطلب دقت کنید.

سال‌هاست که برنامه‌ریزان درسی نمره را ملاک ایجاد انگیزش قرار داده‌اند. دانش‌آموزان ما غالباً فکر می‌کنند که هر چه نمره بالاتری بگیرند پیشرفت بیشتری داشته‌اند، در حالی که این نمرات فقط برای ارزیابی دانش‌آموز است ولی خودش نمی‌داند. متأسفانه گاهی معلمان به این مشکل دامن می‌زنند و طعم شیرین نمره‌های خوب را برای دانش‌آموزان همانند عسل می‌کنند. این حتی در مورد جایزه‌دادن هم صدق می‌کند. جایزه دانش‌آموز را به فردی تبدیل می‌کند که برای انجام هر کاری به پاداش نیاز دارد و اگر بفهمد در کاری پاداش نیست دیگر آن را انجام نمی‌دهد. جایزه دادن پاداشی است که سقف دارد، همانند نمره که سقفش ۲۰ است. می‌دانید چرا به دانش‌آموزان وعده جایزه می‌دهیم؟ چون هم کمتر زمان می‌برد و هم با مبلغ کمی می‌توانیم آن‌ها را به تلاش بیشتر سوق دهیم؛ غافل از این‌که این ایجاد انگیزه کاملاً کاذب است. چون باز هم از جایزه که ملاک ارزیابی است برای ایجاد انگیزه کمک گرفته‌ایم. کاذب است، چون نهایتاً دوبار جواب می‌دهد.

می‌خواهید امتحان کنید؛ کافی است یک‌بار از دانش‌آموزانتان پس از این‌که چندبار برای انجام فعالیت‌ها به آن‌ها پاداش داده‌اید، بخواهید که فعالیتی انجام دهند و البته بگویند که هیچ پاداشی در کار نیست، و منتظر نتیجه بمانند. البته زیاد منتظر نخواهید ماند. اگر خیلی شانس بیاورید ۳ تا ۴ دانش‌آموز، آن هم برای ثبات در موقعیتشان، تکلیف را انجام می‌دهند. اما اکنون روش ایجاد انگیزه خود را که همان «فرصت دیده شدن» است و خودم انجام می‌دهم بازگو می‌کنم.

من سال‌هاست برای ایجاد انگیزه در انجام دادن مکالمه، در درس زبان، از طرق مختلف از روش «فرصت دیده شدن» استفاده می‌کنم. مثلاً پس از آموزش نکات و جملات مکالمه، برای ایجاد انگیزه به‌جای وعده نمره، می‌گویم پس از کسب آمادگی در شما، از مکالمه شما فیلم‌برداری می‌کنم. دانش‌آموزان هم با شور و شوق فراوان خود را آماده می‌کنند تا بهترین اجرا را جلوی دوستان خود داشته باشند. آن‌ها حتی مثل بازیگران، از حرکات خاص و ژست‌های مختلف استفاده می‌کنند تا کارشان طبیعی‌تر به نظر آید. در ادامه، پس از تمام شدن کار همه دانش‌آموزان، در همان جلسه فیلم را با ویدیو پروژکتور روی دیوار پخش می‌کنم. آن‌ها با شور و شوق فراوان به کار همدیگر نگاه می‌کنند و گاهی مواقع به هم می‌خندند و... باز قضیه به اینجا ختم نمی‌شود و برای این‌که وسعت دیده‌شدن آن‌ها را افزایش دهم، در پایان هر نیم‌سال از همه کارهای آن‌ها یک سی‌دی



در طی چند سال معلمی

خود در مدارس راهنمایی تحصیلی به موضوع جالب توجه و در عین حال تأمل‌برانگیزی برخوردم. وقتی درسی را می‌دادم که در آن دانش‌آموز فرصتی برای خودنمایی نداشت نتیجه‌اش این بود که انگیزه‌های برای دانش‌آموزان ایجاد نمی‌کرد و نهایتاً یادگیری ناچیز می‌شد. دانش‌آموز دوست دارد همیشه دیده شود؛ حتی با یک آفرین گفتن معلم انگیزه‌اش چند برابر می‌شود. بین «خواستن» دانش‌آموزان و «توانستن» آن‌ها فاصله‌ای به اندازه یک انگیزه است و این‌ها، دو روی یک سکه‌اند. اگر دانش‌آموزی بخواهد یاد بگیرد ولی انگیزه نداشته باشد نمی‌تواند یاد بگیرد؛ در نقطه مقابل، اگر دانش‌آموزی بتواند یاد بگیرد ولی باز هم انگیزه‌ای، هر چند به اندازه یک تشویق ساده، نداشته باشد یاد نخواهد گرفت. دانش‌آموز ضعیف اگر بخواهد در زمره دانش‌آموزان ممتاز قرار